

Youthism in Imam Ali (A.S.) Government

Received: 2018-11-01 Accepted: 2019-01-07

Hamidreza Motahhari*
Muhammad Javad Pordel**

The purpose of this study is the comparative examination of the youthfulness position in Imam Ali's governmental model and the manner of distribution of governing positions as a strategy. The research method is descriptive-analytical and in order to define young people and to present a solution for their cognition, the method of applying them in different areas of government has been expressed and according to historical reports, his strategy in selecting young agents for social justice was explained. In addition, while presenting a 13-pronged strategy for determining the age of Amir al-'u' minin's (A.S.) agents, his determination in using youth was shown and their characteristics as the causes of this use was mentioned. The results showed that out of 136 appointments of Imam Ali (A.S.), 42 appointments (31% of total appointments) were allocated to youth. The wide range of appointments in the governorship as the highest governing office indicates the importance of this portion. The active presence of youth in all parts of Imam Ali's (A.S.) government indicates the importance and Imam Ali's special attention to this age group along with the benefit of the middle-aged and the elderly, which in addition to achieving social justice and ensuring security in his government, is the key factor in survival of government in training and replacement of young forces.

Keyword: Alawi Government, Youthism, Agents, Imam Ali (AS).

* Assistant Professor, Department of Ahl al-Bayt (A.S.) History and Sira, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.motahari@isca.ac.ir ()

** M.Sc Student, Department of Islamic History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mohammadjavdpordel@gmail.com (Corresponding Author).

جوان‌گرایی در حکومت امام علی علیه السلام*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷

حمیدرضا مطهری**

محمد جواد پردل***

هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی جایگاه جوان‌گرایی در الگوی حکومتی امام علی علیه السلام و چگونگی توزیع پست‌های حکومتی به‌عنوان یک راهبرد است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور تعریف جوان و ارائه‌ی راهکار برای شناخت او، شیوه‌ی به‌کارگیری آنان در حوزه‌های مختلف حکومت بیان گردیده و با توجه به گزارش‌های تاریخی، راهبرد ایشان در انتخاب کارگزاران جوان برای تحقق عدالت اجتماعی تبیین شد. همچنین ضمن ارائه‌ی راهکار ۱۳ گانه‌ای برای تعیین سن کارگزاران امیرالمؤمنین علیه السلام، اهتمام آن حضرت در به‌کارگیری جوانان را نشان داده و به ویژگی‌های آن‌ها به‌عنوان علل این استفاده اشاره کرده است. نتایج پژوهش نشان داد، از میان ۱۳۶ انتصاب امام علی علیه السلام، ۴۲ انتصاب (۳۱ درصد کل انتصاب‌ها) به جوانان اختصاص دارد. میزان گسترده‌ی انتصاب‌ها در بخش فرمانداری به‌عنوان بالاترین منصب حکومتی نشان‌دهنده‌ی اهمیت این بخش می‌باشد. حضور فعال جوانان در همه‌ی قسمت‌های مدیریتی حکومت امام علی علیه السلام نشان‌دهنده‌ی اهمیت و توجه ویژه‌ی آن حضرت به این گروه سنی در کنار بهره‌مندی از



* این مقاله مربوط است به همایش بین‌المللی «امام علی علیه السلام الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز» که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در اسفند ۱۳۹۷ برگزار شده است.

** استادیار، پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (h.motahari@isca.ac.ir).

*** کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول) (mohammadjavadpordel@gmail.com).

میان سالان و کهن سالان است که علاوه بر نمود تحقق عدالت اجتماعی و تامین امنیت در حکومت ایشان، رمز بقای حکومت در آموزش نیروهای جوان و جایگزینی آنها می باشد.

کلیدواژه‌ها: حکومت علوی، جوان گرایی، کارگزاران، امام علی علیه السلام.

مقدمه

امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی منصب خلافت را در اختیار گرفت که جامعه‌ی اسلامی با فقدان عدالت اجتماعی مواجه گردیده بود و از وجود حاکمان و مسئولان فاقد صلاحیت، فساد مالی و اختلاف طبقاتی و نژادی رنج می برد. حضرت با درپیش گرفتن اصلاحات سازنده‌ای هم چون تشکیل بیت‌القصص (اندلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۹۹)، گروه شرطه‌الخمیس (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص. ۱۵۸)، ضرب اولین سکه‌ی اسلامی (الکوثری، ص. ۱۳۹۶)، احیای دیوان مظالم (لبید، ۱۹۹۲م، ص. ۸۲) و ارائه منشور حکومتی در انتصاب کارگزاران^۱ قدم‌های مهمی را برای اصلاح امور برداشت. قاطعیت حضرت و تاثیر این اصلاحات به‌میزانی بود که برخی از مستشرقین، حکومت ایشان را تنها حکومت برآمده از آموزه‌های اسلامی در بین حکومت خلفا دانسته‌اند (آنکیری، ۱۳۵۴، صص. ۲۵۱-۲۵۳).

علی علیه السلام در انتصاب کارگزاران حکومتی به‌منظور اعمال شایسته‌سالاری، چهار رویه را به کار گرفته است:

۱. به کارگیری و ابقای برخی افراد شایسته که در حکومت‌های گذشته دارای منصب بودند؛ مانند: حذیفه بن یمان عبسی (یمانی) در مدائن (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص. ۳۲۱ و عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۳۲)، عثمان بن حنیف در بصره (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص. ۴۷۳) و شریح بن حارث (شریح قاضی) (ابن‌کثیر، ۱۹۸۷م، ج ۹، ص. ۲۲).

۲. انتصاب افراد نخبه و جوان که تازه وارد عرصه‌ی سیاست و حکومت شده بودند؛ مانند: محمد بن ابی‌بکر (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۳، ص. ۳۲۶).

۳. انتصاب صحابه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله که به دلیل مقدم‌شدن روابط بر ضوابط در حاکمیت‌های گذشته و دورشدن حکومت اسلامی از آموزه‌های اسلام، از منصب‌ها فاصله گرفته و یا در جبهه‌ی مخالفان حکومت ظاهر شده بودند؛ مانند: قیس بن سعد (عسقلانی،

۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۶۱).

۴. به کارگیری افرادی که جایگاه اجتماعی آن‌ها (به‌علت سابقه‌ی بردگی، تحت تکفل بودن و ...) در نگاه مردم پایین بود؛ مانند: سعد بن حارث خزاعی (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۳۴۰).

از آن‌جا که جوانان سهم مهمی در انتصاب‌های امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند، نوشتار حاضر به بررسی موضوع جوان‌گرایی و سهم جوانان در حکومت علوی اختصاص یافته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. جوان

محققان، افرادی که در محدوده‌ی سنی بیست تا چهل سال قرار دارند را جوان می‌دانند. لورا برک (۱۳۹۲) جوانی را به دوره‌ی ششم از بین هشت دوره زندگی انسان اطلاق کرده (ج ۱، ص ۱۳) است؛ اولین گام او دوره‌های سه‌گانه‌ی بزرگ‌سالی (جوانی، میان‌سالی و پیری) است که بازه‌ی ۲۰ تا ۴۰ سالگی را دربر می‌گیرد (همان، ج ۲، ص ۲۲۲). انسان با ورود به ۲۰ سالگی میل به مشارکت و تاثیرگذاری در اجتماع را پیدا می‌کند و می‌کوشد اندوخته‌ها و آموزش‌های خود را در مسیر ادای دین خود به جامعه به کارگیری کند و مسیر خود در رسیدن به این هدف مقدس را هموار گرداند (همان، صص ۱۱۶-۲۲۲). بخشی از این فعالیت‌های جوان به مطالبه‌گری از حکومت‌ها مرتبط می‌شود.

واکنش حکومت‌ها در مواجهه با عدالت‌خواهی جوانان متفاوت است. برخی این قشر را به حاشیه می‌رانند؛ برخی این نیرو را به‌نحو وسیعی مورد توجه قرار داده و برخی نیز راه میانه را در به کارگیری آن‌ها انتخاب می‌کنند و با توزیع جوانان در مناصب مختلف در کنار نیروهای باتجربه از آن‌ها بهره می‌برند.

اگرچه کتاب‌ها و مقالات ارزشمند و فاختری در زمینه‌ی حکومت امام علی علیه السلام در حوزه‌های مختلف نوشته شده است، اما این پژوهش رهیافت جدیدی است که با استفاده از اطلاعات موجود در منابع تاریخی و رجالی، روش‌هایی را در تشخیص گروه سنی کارگزاران حضرت به کار گرفته و به بررسی میزان انتصاب جوانان در پست‌های حکومتی و نحوه‌ی توزیع آن‌ها در مسئولیت‌های مختلف حکمرانی، استانداری، قضایی، دیوانی، دارایی و مالی، نظامی و انتظامی - به‌عنوان راه‌کاری برای اجرای عدالت اجتماعی - می‌پردازد.

۲. میزان جوان‌گرایی در حکومت امام علی علیه السلام

یافته‌ها و شواهد تاریخی حاکی از آن هستند که درصد قابل توجهی از انتصاب‌های



امیرالمؤمنین علیه السلام از جوانان بوده است؛ به گونه‌ای که از مجموع ۱۳۶ انتصاب (مطابق نموار یک در پیوست)، ۴۲ انتصاب (۳۱٪) مخصوص جوانان می‌باشد. در این میان برخی مانند محمد بن ابی بکر دوبار، و بعضی مانند عبیدالله بن ابی رافع سه بار و حتی برخی مانند قرظة بن کعب چهار بار منصوب شده‌اند.

۲،۱. مؤلفه‌های تشخیص گروه‌های سنی

یکی از مشکلات اساسی این پژوهش، تشخیص سن افراد و ملاک تعیین و بازشناسی جوانان از دیگران بود. عدم وجود اطلاعات تاریخی در زمینه‌ی ولادت و مرگ برخی افراد باعث گردید که در این مقاله با طرح راهکارهایی در مسیر تشخیص سن، تعداد ۲۹ نفر جوان و ۳۸ نفر میان سال و کهن سال از مجموع ۹۳ نفر مشخص گردند. مؤلفه‌های زیر بدین منظور مورد استفاده قرار گرفت:

تصریح به سن شخص در بیان زندگی‌نامه در هنگام مسئولیت؛ مانند ابو قتاده انصاری که در سال ۳۸ یا ۴۰ در سن ۷۰ یا ۷۲ سالگی در کوفه و در زمان خلافت امام علی علیه السلام درگذشت (عسقلانی، ۱۴۱۵م، ج ۷، ص. ۲۷۲).

اشاره به گروه سنی شخص؛ مانند رفاعة بن شداد بجلی (ابوعاصم کوفی) که از او به‌عنوان جوانی دلیر و نیرومند در دفاع از عمرو بن حمق خزاعی، به‌سال ۵۱-۵۰ یاد کرده‌اند (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص. ۵۸۹).

تصریح به تولد شخص یا تاریخ مرگ او در کنار اشاره به مدت حیات؛ مانند عبدالله بن عباس که در سال ۶۸ هجری در سن ۷۰ سالگی از دنیا رفت (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۱۸۷) و ابوالاسود دوئلی که در سال ۶۹ در سن ۸۵ سالگی درگذشت (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص. ۱۱۹).

اشاره به تولد وی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا پس از ایشان؛ مانند معبد بن عباس (طبری، ۱۳۵۶، ص. ۲۳۹)، تمام بن عباس (ذهبی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۲۹۳)، جعدة بن هبیره (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۸۲۸) و منذر بن جارود (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۲۰۹).

اشاره به تاریخ ازدواج پدر و مادر، مانند عبیدالله بن ابی رافع (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص. ۴۷۷ و عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۳۲۱)؛ یا تاریخ مرگ حداقل یکی از آنها و تحت تکفل قرار گرفتن شخص؛ مانند محمد بن ابی حذیفه قرشی (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص. ۳۱۱)؛ محمد بن ابی بکر (همان، ج ۳، ص. ۳۲۶ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۵۳) و عمر بن

ابی سلمه (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص. ۲۷۷).



اشاره به جریان تاریخی‌ای که نشان‌دهنده‌ی سن فرد باشد؛ مانند ابو ایوب انصاری (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۸۲۸)، عقبه بن عمرو انصاری معروف به ابومسعود بدری (ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص. ۵۵۴)، نعمان بن عجلان زرقی انصاری (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴، ص. ۴۵۲)، سلیمان بن سرد خزاعی (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۶۴۹).

اشاره به خصوصیات جسمی؛ مانند عثمان بن حنیف (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۳۲۱).

نقل جریانات کودکی شخص؛ مانند نام‌گذاری علی بن ابی‌رافع (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۵۳) یا دعای ایشان درباره‌ی عبدالله بن عباس (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۱۸۷) یا مورد محبت پیامبر قرارگرفتن در کودکی عبدالله بن جعفر و عبیدالله و قثم بن عباس (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۳۲۱).

نحوه‌ی ترتیب ولادت فرزندان یک شخص با معلوم‌بودن تاریخ ولادت یک یا چند نفر از ایشان؛ مانند عبیدالله، قثم، معبد و تمام که هر چهار نفر بعد از عبدالله بن عباس به‌دنیا آمده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص. ۱۸۷).

اشاره به انجام تکالیف شرعی در عهد رسول‌الله ﷺ یا عدم انجام آن‌ها به‌علت عدم بلوغ؛ مانند عبدالرحمن بن ابزی الخزاعی (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص. ۸۲۲) و وهب بن عبدالله سوائی (همان، ج ۴، ص. ۱۶۱۹ و ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۵، ص. ۴۸).

مهاجرت شخص، حضور در عقبه و یا حضور در جنگ‌های صدر اسلام (با معیار این‌که حداقل در جنگ ۱۵ساله باشد)؛ مانند قیس بن سعد عباده (ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص. ۱۲۵) و هاشم بن عتبه (مرقال) (اندلسی، ۱۴۰۴م، ج ۴، ص. ۱۵۴۶).

مسئولیت‌داشتن در زمان پیامبر اکرم ﷺ؛ مانند عثمان بن حنیف (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص. ۱۰۳۳) و قیس بن سعد عباده (ابن‌اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص. ۱۲۵).

عبارات "کبار الصحابه" یا "فضلاء الصحابه" در جهت نشان‌دادن مسن‌بودن؛ مانند قرظة بن کعب (تقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۷۷۶) و حذیفه بن یمان (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۳۹) یا عبارات "صغارالصحابه" و "صغار تابعین" در جهت جوان‌بودن، مانند وهب بن عبدالله سوائی (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۴۸).

علی‌رغم به‌کارگیری مؤلفه‌های فوق، گروه سنی ۲۶ نفر - که ۳۱ انتصاب (۲۳٪) در مسئولیت بخش‌های مختلف بوده‌اند - به‌نحو قطعی مشخص نشده است. از آن‌جایی که حضرت در سال ۳۵ هجری عهده‌دار حکومت شده‌اند، کارگزاران حداکثر

۵ سال قبل از هجرت باید متولد شده باشد تا در زمره‌ی مسئولان جوانان در زمان زعامت امام علی علیه السلام قرار گیرند. لذا افراد جوانی که در عهد حکومت امام علی علیه السلام در سنخ جوانان قرار می‌گیرند، عبارتند از: عبدالله بن عباس، عبيدالله بن عباس، قثم بن عباس، معبد بن عباس، تمام بن عباس، محمد بن ابی‌حذیفه قریشی، محمد بن ابی‌بکر، سعید بن نمران همدان ناعطی، سعید بن سعد انصاری ساعدی، عبدالله بن خباب بن ارت، کمیل بن زیاد نخعی، عمر بن ابی‌سلمه، منذر بن جارود عبدی، مصقلة بن هبیره شیبانی، زیاد بن ابیه (عبید ثقفی)، جعدة بن هبیره، ابوالاسود دوئلی، رفاعة بن شداد بجلی، عبيدالله بن ابی‌رافع، علی بن ابی‌رافع، عبدالله بن جعفر، یزید بن شراحیل، عبدالرحمن بن ابی‌بکره، مصعب بن یزید انصاری، عبدالله بن زمعه بن اسود، مسیب بن نجبه فزاری، محمد حنفیه، یزید بن حارث بن رویم شیبانی، مالک بن کعب ارحبی.

۲,۲. توزیع جوانان در مسئولیت‌های مختلف

از آن جاکه امیرالمؤمنین علیه السلام به شایسته‌سالاری توجه ویژه‌ای داشتند، انتصاب جوانان براساس توانایی آن‌ها در موقعیت‌های مختلف متفاوت بوده است. از میان ۴۲ انتصاب (۳۱٪) (مطابق نمودار ۲)، در مناصب فرمانداری ۴۵٪، امور مالی ۲۴٪، امور نظامی و انتظامی ۱۴٪، قضاوت ۵٪ جوانان مشارکت داده شده‌اند؛ حضور جوانان در فرمانداری با ۱۹ انتصاب در تمامی مناطق پنج‌گانه‌ی جهان اسلام، بیش‌ترین میزان را به‌خود اختصاص داده است.

اهمیت والیان و فرمانداران نواحی مختلف و اختیارات آنان در کنار عوامل دیگر علت این امر بوده است. گاهی نیز عواملی مانند فراخوانی برای شرکت در جنگ‌ها (نعمان بن عجلان) (سید رضی، ۱۴۳۴ق، نامه‌ی ۴۲)، شهادت برخی فرمانداران (اشرس بن حسان بکری) (ابن کثیر، ۱۹۸۹م، ج ۷، ص. ۳۱۹)، ناتوانی بعضی از آن‌ها در برابر دشمن (سعید بن نمران) (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۵۹۳)، سرباززدن از پذیرش مسئولیت (عبدالله بن عباس) (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص. ۲۰۸)، عدم پذیرش فرمانداران از سوی مردم به‌علل مختلف (سهل بن حنیف برای شام و عماره بن شهاب ثوری برای کوفه) (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴، ص. ۴۴۲)، حضور فردی مناسب‌تر بر یک منطقه (محمد بن ابی‌بکر برای مصر)، تبلیغات منفی معاویه علیه برخی کارگزاران (قیس بن سعد برای مصر) (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۳۶۱) و فساد (قعقاع بن شور ذهلی و یزید بن حجیه تیمی) (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۵۲۵) سبب گردید تا تعداد انتصاب‌ها و تغییرات در این مسئولیت نسبت به بخش‌های دیگر



حکومت بیش تر باشد؛ به گونه‌ای که از مجموع ۱۳۶ انتصاب در میان همه‌ی نیروها و از همه‌ی رده‌های سنی جوان و میان‌سال و مجهول، فرمانداران با ۷۶ انتصاب (۵۶٪)، کارگزاران دارایی با ۲۶ انتصاب (۱۹٪)، امور نظامی و انتظامی با ۲۵ انتصاب (۱۸٪)، کاتبان و دبیران ۶ انتصاب (۵٪) و امور قضایی ۱ انتصاب (۲٪) را به خود اختصاص دهد (نمودار ۳).

۳. انتصاب جوانان در بخش فرمانداری

از میان ۷۶ نفری که توسط امام علی علیه السلام به‌عنوان فرماندار منصوب شدند، تعداد ۱۹ انتصاب (۲۵٪) از جوانان بودند؛ درحالی‌که تعداد ۳۵ انتصاب (۴۶٪) از بین میان‌سالان و کهن‌سالان و ۲۲ انتصاب (۲۹٪) افرادی بودند که اطلاعات دقیقی از دوره‌ی سنی آن‌ها در دست نیست.

البته گستره‌ی قلمرو حکومت امام علی علیه السلام، تهدیدهای فراوان از سوی مرزهای غربی در قالب جنگ و غارت، اهمیت بخش مرکزی به‌عنوان مرکز حکومت اسلامی و همچنین اهمیت زیاد دو شهر مذهبی مکه و مدینه سبب شد که سیاست حضرت در چینش فرمانداران در پنج منطقه (مرکزی، غربی، جنوبی، شرقی، شمالی) متفاوت باشد.

۳.۱. بخش مرکزی

بخش مرکزی حکومت امام علی علیه السلام با محوریت کوفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. حضرت پس از جنگ جمل (۵۳۶ق) به‌علت حضور اقوام عرب و ایرانی در کوفه به‌همراه عصبیت‌های قومی (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۳۶)، موقعیت جغرافیایی و نظامی (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۳، ص ۲۲)، حضور سران نظامی در کوفه، رونق اقتصادی (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳)، محبوبیت ایشان در منطقه (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۸)، درمحوریت‌قراردادن مرکز حکومت اسلامی؛ و از طرف دیگر نفوذ قریش در مدینه (دینوری، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۷۱) و عدم وجود استحکامات نظامی، پس از گذشت ۶ ماه از آغاز خلافت، مرکز حکومت اسلامی را برای اولین بار از مدینه خارج کرده و به کوفه منتقل نمودند (ر.ک: محرمی، ۱۳۸۱) که این اقدام مخالفت‌هایی را در پی داشت (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳).

از میان ۱۹ انتصابی که امام علی علیه السلام از جوانان در قسمت فرمانداری انجام داده‌اند (نمودار چهارم)، منطقه‌ی مرکزی با دو فرماندار جوان، یازده درصد آمار را به خود اختصاص داده است؛ این دو انتصاب که در بصره انجام شده (عبدالله بن عباس و ابو اسود دوئلی) (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۲۲، ص ۴۸۶ و همان، ج ۳، ص ۱۸۸) به‌سبب دو عامل تاریخی ذیل،

اقتضای حضور جوانان فعال در جهت حفظ آرامش و امنیت شهر را داشته است: عامل نخست، حضور و شکست ساکنین بصره در جنگ جمل (۳۶ ه.ق) که نشان‌دهنده‌ی مخالفت آن‌ها با حکومت امام علی علیه السلام بوده است (سید رضی، ۱۴۳۴ق، نامه‌ی ۱۳)؛ و عامل دوم، ناآرامی‌های بصره در سال ۳۸ ه.ق که حضرت با یادآوری جریان جنگ جمل و شکست سپاه بصره، شورشیان را نکوهش کرده و فتنه را برطرف نمودند (همان، نامه‌ی ۲۹). از میان ۲۲ انتصابی که در سمت حکمرانی در منطقه‌ی مرکزی انجام شد، گروه سنی میان سال و کهن سال با ۱۲ انتصاب که ۵۵٪ مجموع انتصابات حضرت را در قسمت مرکزی تشکیل می‌دهد، بیش‌ترین انتصاب را در بین گروه‌های سنی داشته‌اند؛ درحالی‌که جوانان با ۲ انتصاب (۹٪) کم‌ترین میزان حضور، و افرادی که سن آن‌ها مشخص نشده است، با ۸ انتصاب (۳۶٪) به‌کار گرفته شدند.

۳،۲. بخش غربی

اهمیت سرزمین‌های غربی حکومت امام علی علیه السلام، به‌علت حفظ و حراست از مرزهای غربی در مقابل تهاجم‌های معاویه بوده است. در پی بیعت مردم با امام علی علیه السلام، معاویه به‌بهانه‌ی خون‌خواهی عثمان (۳۵ ه.ق) از بیعت با امام علی علیه السلام سر باز زد و به روش‌های مختلف تبلیغی - نظامی به حکومت امام علی علیه السلام حمله‌ور شد. او علاوه‌بر شایعه‌سازی، جنگ و توطئه علیه فرمانداران امام علی علیه السلام در مصر (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص. ۲۱۳)، اقدامات دیگری نیز علیه حکومت آن حضرت انجام داد. در تحریک سران جمل برای راه‌اندازی جنگ نقش داشت و با راه‌انداختن جنگ صفین و استفاده از مکر و حيله در طرح‌ریزی جریان حکمیت، باعث شکاف در سپاهیان امام علی علیه السلام و زایش خوارج شد. معاویه در تکمیل ضربات خود با هدف ایجاد ناامنی، رعب و وحشت، شورش‌هایی تحت‌عنوان "غارات" را پدید آورد. چنین وضعیتی اهمیت مناطق غربی را بیش‌تر می‌کرد. از میان ۱۹ انتصاب جوانان در منصب حکمرانی، ۴ انتصاب (۲۲٪) در این منطقه بوده و حضرت در مرزهای ناآرام غربی از جوانان نیز استفاده کرده است.

مشارکت و به‌کارگیری (۳۳٪) حکمران جوان از میان ۱۸ انتصابی که حضرت در قسمت غربی انجام داده‌اند، در مقایسه با انتصاب ۵ حکمران میان‌سال و کهن‌سال (۴۲٪) نشان‌دهنده‌ی اهمیت حضور آن‌ها به‌دلایلی از جمله روحیه‌ی جنگ‌آوری و فعال آن‌ها در حفظ امنیت منطقه می‌باشد. برای مثال، قیس بن سعد جزو اولین فرمانداران حضرت در این منطقه بود. روحیه‌ی سازش و صلح قیس با مخالفان و کسانی که با حضرت بیعت



نکرده بودند، سبب شکل‌گیری قیام علیه حکومت امام علی علیه السلام در مصر شد؛ حضرت در نامه‌ای خطر کودتا در سایه‌ی صلح‌طلبی را به وی گوشزد و به وی امر کرد از همه بیعت بگیرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، صص. ۵۷-۶۵ و ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، صص. ۲۱۳-۲۵۹).

۳،۳. بخش جنوبی

مناطق جنوبی قلمرو امام علی علیه السلام به‌علت عدم وجود مرز مشترک با شام اموی، به‌اندازه‌ی بخش‌های غربی مورد تهدید نبود، ولی پس از جنگ صفین با راه‌اندازی شورش‌هایی از طرف معاویه - موسوم به الغارات - با هدف ناامنی، شهر مکه و مدینه و صنعا و ... مورد تهدید و حملات قرار گرفت. حضور صحابه‌ی پیامبر صلی‌علیه‌وآله و میراث نبوی در دو شهر مکه و مدینه، اهمیت فرهنگی و نظامی این قسمت را افزون می‌نمود.

انتصاب جوانان در این منطقه نسبت به مناطق پنج‌گانه، بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است؛ ۷ انتصاب (۳۹٪) مربوط به بخش جنوبی است که بیش‌ترین حضور را در بین مناطق دیگر نشان می‌دهد. فرمانداران یمن، صنعا و جند همگی جوان بوده‌اند. خطر حضور حجاج شام در ایام حج در مکه (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص. ۱۴۰) و شروع غارت‌گری‌های معاویه از سال ۳۹ هجری با ورود بسر بن اراط (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۴۸۷) از سمت شمال شبه‌جزیره‌ی عربستان به قسمت جنوبی حکومت اسلامی، اقتضای وجود فرمانداران جوان و جنگ‌جو را داشت تا با فعالیت‌های نظامی و جسارت‌های خود مانع از دست‌اندازی‌های شامیان به مناطق جنوبی شوند؛ انتصاب قثم بن عباس در مکه و تمام بن عباس در مدینه (طبری، ۱۳۵۶، ص. ۲۳۹) در این سال‌ها اتفاق افتاد.

قبل از غارات معاویه، حضور بزرگان قریش و معتزله‌ی اولیه در مدینه و مخالفت مردم مکه در بیعت با امام علی علیه السلام (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص. ۲۱۱) این اقتضا را داشت تا افراد باسابقه - که اهل تدبیر و صلح‌طلبی بوده‌اند - مانند خالد بن عاص بن هاشم و تمیم بن عمرو (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص. ۶۷ و بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۶، ص. ۵) در مکه و مدینه حضور داشته باشند. نمود ظاهری مخالفت قریش به‌ویژه در مکه و مدینه با حکومت امام علی علیه السلام حضور کم‌رنگ آن‌ها در جنگ‌ها در مقایسه با اهل کوفه می‌باشد. در منطقه‌ی صنعا نیز مخالفان حکومت امام علی علیه السلام وجود داشتند که شیعه‌ی عثمانی نام گرفتند. یمن و صنعا و جند مورد غارت‌گری‌های مکرر معاویه قرار گرفت (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۵۹۵)؛ علی علیه السلام، عبیدالله بن عباس را که در زمره‌ی فرمانداران جوان بود، برای گرفتن بیعت به‌سوی آن‌ها فرستاد (همان، ص. ۵۹۳).

از میان ۱۷ انتصابی که حضرت در بخش جنوبی انجام دادند، ۷ انتصاب از جوانان (۴۱٪) بود و ۸ انتصاب (۴۷٪) از میان میان سالان و کهن سالان؛ این میزان همانند نسبت حضور دو گروه در قسمت غربی، تنها با اختلاف یک انتصاب است که نشان دهنده‌ی همانندی این دو منطقه می‌باشد.

۳،۴. بخش شرقی

شرق حکومت امام علی علیه السلام (با مرکزیت عراق)، کشور ایران می‌باشد. این قسمت نسبت به بقیه‌ی مناطق از آرامش بیش‌تری برخوردار بود؛ تنها جنبش‌های خفیفی مانند خروج خوارج در قسمت اهواز، مخالفت‌های اهالی نیشابور و ارتداد اهالی کرمان توسط مورخان گزارش شده است (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴، ص. ۵۵۹).

رونق اقتصادی و تجاری ولایت جبال و خراسان، حاصل خیزی بخش بین‌النهرین، وجود اهل ذمه که حجم زیاد ثروت را در این منطقه فراهم می‌آورد؛ در کنار ناآرامی‌های مناطق غربی و جنوبی حکومت امام علی علیه السلام، سبب رفاه‌طلبی و فساد مالی کارگزاران حضرت در این منطقه شده. فقدان هویت شخصیتی، تعصبات قومی و قبیله‌ای نیز عوامل دیگری بودند که سبب عزل، زندان کردن، فرار و شورش کارگزاران ایشان در منطقه شد که نسبت با مناطق دیگر بی‌مانند بود.

منطقه‌هایی که از سوی حکومت برای آن‌ها والی انتخاب شد، عبارت بودند از: خراسان، سیستان، ری، دستی، اصفهان، کرمان، همدان، فارس (اصطخر) و اهواز. انتصاب ۴ جوان از بین ۱۶ انتصاب امام علی علیه السلام، میزان (۲۲٪) مشارکت دادن جوانان در این بخش حکومت را نشان می‌دهد که این میزان هم‌چنین (۲۲٪) از کل ۱۸ انتصاب حضرت در قسمت شرقی را در مقایسه با میان سالان و کهن سالان با ۶ انتصاب (۳۳٪) گزارش می‌کند. تعداد ۸ انتصاب (۴۵٪) افرادی هستند که سن آن‌ها مشخص نشده و در مقایسه با دیگر مناطق بیش‌ترین میزان است و حاکی از خلأ تاریخ‌نگاری نسبت به حاکمان اسلامی در این منطقه می‌باشد.

انتصاب جعد بن هبیره در خراسان (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۶۲۸)، منذر بن جارود عبدی (همان، ج ۶، ص. ۲۰۹)، مصقلة بن هبیره شیبانی (بالذری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص. ۴۱۷)، زیاد بن ابیه (تقی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۶۴۶) در فارس و کرمان، نشان دهنده‌ی حضور جوانان در این مناطق می‌باشد. زیاد بن ابیه برای کرمان و فارس به پیشنهاد عبدالله بن عباس و جاریه بن قدامه جهت فتنه‌های این منطقه (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۲، ص. ۴۲۹) و ارتداد اهالی نیشابور



(طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴، ص. ۵۵۹) بود که اقتضای حضور نیروی جوان در خراسان را داشت. شواهدی این چنین گمانه‌ی به‌کارگیری جوانان در مناطقی که صحنه‌ی جنگ و مقاومت بوده است را تایید می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۲، ص. ۴۲۹).

۳.۵. بخش شمالی

ناحیه‌ی شمالی حکومت علوی شامل آذربایجان، حلوان و نهروان به‌دلیل مشکلات داخلی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. منطقه‌ی نهروان از سال ۳۸ هجری در پی جریان حکمیت شاهد حضور خوارج بود و به‌عنوان منطقه‌ی اصلی آن‌ها محسوب می‌شد (دینوری، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۳). این منطقه همانند منطقه‌ی شرقی نسبت به مناطق مرکزی، غربی و جنوبی که پیاپی مورد غارت‌ها و شورش‌های معاویه قرار می‌گرفتند، از آرامش برخوردار بود و تنها یک انتصاب (عبدالله بن خباب بن‌ارت) (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص. ۱۸۸) از میان ۱۶ انتصاب جوانان در مسئولیت فرمانداری گزارش شده است. این میزان در کنار ۴ انتصاب (۵۷٪) میان سالان و کهن سالان از میان ۷ انتصاب حضرت در منطقه‌ی شمالی، اگر چه نشان‌دهنده‌ی نماینده حضور جوانان در این منطقه می‌باشد اما نشانگر این نکته نیز هست که در این منطقه با توجه به امنیت نسبی آن کمتر به نیروی جوان نیاز بود.

منطقه‌ی آذربایجان و حلوان که کاملاً دارای امنیت بود، حضور افراد میان‌سال را در خود نشان می‌دهد. رویش خوارج در نهروان و ایجاد ناامنی در منطقه سبب شد حضرت، عبدالله بن خباب بن‌ارت را به منطقه اعزام نمایند. در پی قتل عبدالله و خانواده‌اش به‌دست خوارج، حضرت بعد از بستن عذر و بهانه‌ی آن‌ها، روش سیاسی خود در مورد خوارج را به اقدام نظامی تغییر داد و با سپاهیان خود به‌سمت خوارج نهروان حرکت کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص. ۱۸۹).

حضور بیش‌تر جوانان در مناطق ناآرام غربی، جنوبی و شرقی، نشان‌دهنده‌ی توجه امام علی علیه‌السلام به شایسته‌سالاری و درعین حال توجه به قشر جوان و به‌کارگیری آن‌ها در پست‌های کلیدی و مهم است.

۴. حضور جوانان در بخش نظامی و انتظامی

دومین طبقه در نظام حکومتی امام علی علیه‌السلام، به گروه‌های انتظامی و نظامیان اختصاص دارد؛ این گروه در دو حوزه‌ی امنیت شهری (شرطه) و منطقه‌ای (جُند) فعالیت می‌کردند. از میان ۴۲ انتصاب (۳۱٪)، که از مشارکت‌دادن جوانان در حکومت امام علی علیه‌السلام گزارش

شده است، ۶ انتصاب (۱۴٪)؛ و از میان ۲۵ انتصاب که در بخش نظامی و انتظامی صورت گرفته (۲۴٪)، حضور جوانان در کنار ۱۶ انتصاب (۶۴٪) میان سال و کهن سال می‌باشد.

۴,۱. میزان حضور جوانان در نیروی انتظامی (شرطه)

شرطه یا پلیس همان نیروی انتظامی است که مامور حفظ امنیت شهرها بوده است؛ مسئول شرطه را "رئیس الشرطه" یا "صاحب الشرطه" می‌خواندند. در برخی موارد - مانند اصبح بن نباته - افرادی که از طرف حضرت به ریاست آن نصب می‌شدند، با فرمانده نیروی ویژه حضرت (شرطه الخمیس) یکی بوده‌اند (کشی، ۱۳۴۸، ص. ۱۳۰). افرادی که در منابع آن‌ها را "رئیس الشرطه" یا "صاحب الشرطه" نامیده‌اند، عبارت‌اند از: وهب بن عبدالله سوائی مشهور به "ابو جحیفه" (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص. ۶۸۴)، قیس بن سعد (همان، ص. ۱۲۵)، یزید بن حارث بن رویم شیبانی (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص. ۲۷۴)، سعد بن حارث خزاعی (بلاذری، ۱۹۸۸م، ج ۴، ص. ۲۲۵)، مالک بن حبیب یربوعی (منقری، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۲۱). از میان ۵ انتصاب این بخش، یک انتصاب مربوط به جوانان (۲۰٪)، و به‌همین میزان مربوط به میان سالان، و ۳ انتصاب دیگر (۶۰٪) کسانی هستند که گروه سنی آن‌ها مشخص نشده است.

مشارکت جوانان در بخش انتظامی در پی انتصاب وهب بن عبدالله سوائی (ابو جحیفه) (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص. ۶۸۴) به سمت رئیس پلیس کوفه به‌وسیله‌ی خود امام بوده و وی را مسئول حفاظت و امنیت شهر کوفه نمودند.

۴,۲. میزان حضور جوانان در نیروی نظامی (جند)

فرماندهان و ارکان اصلی جنگ‌ها اغلب فرمانداران و حکمرانان ایشان در مناطق مختلف بودند که برای حضور در جنگ فراخوانده و به‌عنوان فرمانده منصوب می‌شدند. بررسی حضور جوانان در پست فرماندهی جنگی بیانگر اهتمام امیرالمؤمنین علیه السلام به جوانان و نقش این گروه در تأمین امنیت است. حضرت در این سه جنگ، ۲۰ انتصاب انجام دادند که از میان آن‌ها ۵ انتصاب (۲۵٪) جوانان بوده است. سه جنگ جمل، صفین و نهروان از منظر میزان حضور و مسئولیت جوانان با یک‌دیگر تفاوت دارند.

۴,۲,۱. جنگ جمل

جنگ جمل در ربیع‌الثانی سال ۳۶ هجری در پی زیاده‌خواهی و سهم‌خواهی در مناصب حکومتی از سوی برخی صحابه مانند: طلحة بن عبیدالله و زبیر بن عوام پی‌ریزی شد. طلحة ولایت یمن (یا کوفه) و زبیر ولایت عراق (یا بصره) را درخواست کرده بودند



(طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴، صص. ۴۲۷-۴۳۵). میان نزدیکان امام افرادی مانند عبدالله بن عباس در مقام خیرخواهی و مصلحت حکومت با آن‌ها هم‌نظر گشته و خواسته‌ی آن‌ها را تأکید کرد (دینوری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۷۱)؛ ولی در مقابل، حکومت امام که بر پایه‌ی شایسته‌سالاری و عدالت اجتماعی استوار شده بود، خواسته‌ی آن‌ها را مشروع ندانست و به آن‌ها پاسخ مثبت نداد (سید رضی، ۱۴۳۴ق، خطبه‌ی ۱۰۱ و ۶۴). این در حالی است که استفاده از جوانان شایسته و غیرقرشی در حکومت حضرت از همان ابتدا وجود داشته است. همراهی برخی دیگر از صحابه، سوءاستفاده از جایگاه همسر پیامبر ﷺ و برافراشتن پرچم خون‌خواهی عثمان، برای اولین بار در تاریخ اسلام دو گروه مسلمان حق و باطل را مقابل هم قرار داد که تردیدهایی در افراد و حتی صحابه‌ای مانند حسان بن ثابت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۹) که قدرت تشخیص نداشتند را در پی داشت.

میزان حضور جوانان در این عرصه‌ی مهم، ۳ انتصاب (۶۰٪) از میان پنج انتصاب در بخش نظامی را نشان می‌دهد که این میزان مساوی (۵۰٪) افراد میان‌سال و کهن‌سالی است که در این جنگ در پست‌های مهم جنگی قرار گرفتند. فرماندهان و ارکان اصلی جنگ جمل در دو رده‌ی سنی به شرح ذیل می‌باشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۲۵۷):
افراد میان‌سال و کهن‌سال: عمار یاسر (فرمانده سواره‌نظام و میسره)، مالک اشتر (فرمانده میمنه)؛

افراد جوان: عبدالله بن عباس (فرمانده گروه مقدم سپاه)، محمد بن ابی‌بکر (فرمانده پیاده‌نظام).

۴،۲،۲. جنگ صفین

جنگ صفین در ماه صفر سال ۳۷ در پی دست‌درازی معاویه و سپاهیان شام به حکومت اسلامی واقع شد. مکاتبات متعدد امام با معاویه در مسیر گرفتن بیعت نسبت به انتخاب و مقبولیت مردمی حضرت کارساز نبود. معاویه در تعویق انداختن پاسخ نامه‌های حضرت و جلب کردن پیک امام (جریر بن عبدالله بجلی) (منقری، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۰) توانست لشکر ۱۲۰ هزار نفری را برای حمله به حکومت اسلامی فراهم آورد (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱م، ج ۲، ص. ۴۳۹). حضرت نیز برای مقابله، سپاه ۸۰ هزار نفری از کوفه، بصره و مدائن را فراهم نمود و در صفین با آن‌ها مواجه شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۳۱). مصادف شدن جنگ با ماه محرم الحرام و سخنان و جوانمردی امام در این جنگ سبب شد تا جنگ سه ماه به طول بیانجامد (منقری، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۹۶). هر روز حضرت آرایش و انتصاب‌های

جدیدی برای سپاهیان انجام می‌داد. اسامی فرماندهان و ارکان اصلی سپاه حضرت در صفین عبارت‌اند از: مالک اشتر، سهل بن حنیف، هاشم بن عتبیه (مرقال)، عمار یاسر، محمد بن حنفیه، سعد بن مسعود ثقفی، عدی بن حاتم، عبدالله بن عباس.

جوانان در این جنگ به‌عنوان فرماندهان دو قسمت مهم، میمنه (محمد بن حنفیه) و میسره (عبدالله بن عباس) انتخاب شدند که از پنج انتصاب حضرت در بخش فرماندهی این جنگ، دو انتصاب یعنی ۴۰ درصد از جوانان بودند.

۴،۲،۳. جنگ نهروان

هنگام پیروزی مسلمانان در جنگ صفین به‌علت خیانت برخی افراد مانند اشعث بن قیس (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص. ۱۸۹) در پیامی که برای معاویه نسبت به عملیاتی کردن نقشه‌ی عمروعاص داشت، سبب شد که سپاهیان بی‌بصیرت حضرت تحت گروه خوارج تن به حکمیت داده و بعد از آن با ابطال حاکمیت انسان‌ها بر یک‌دیگر در چهره‌ی مقدس‌مآبانه‌ای در زمره‌ی دشمنان امام علی علیه السلام ظاهر شوند.

در بازگشت از صفین، این گروه در منطقه‌ی حرورا نزدیک کوفه مسکن گرفتند و با انتخاب عبدالله بن وهب راسی تصمیم گرفتند به نهروان رفته و آن‌جا را مقرر خود قرار دهند (دینوری، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۳). ابتدا سیاست حضرت با آنان در جهت هدایت ایشان، برخورداری از تمام خدمات حکومتی بود، لیکن خشونت‌هایی که در نهروان و مناطق دیگر از آن‌ها سر زد، امام علی علیه السلام را بر آن داشت تا پس از ۶ ماه از جریان حکمیت، با سپاه ۱۴ هزار نفری، قبل از حرکت دادن سپاهیان به‌طرف شام، به‌سوی آن‌ها رفته و ریشه‌ی آن‌ها را بخشکاند (دینوری، ۱۳۶۸، ص. ۲۱۰). رویایی دو سپاه اسلام و مارقین در ماه صفر سال ۳۸ هجری در نهروان شکل گرفت.

در این جنگ در بین فرماندهان حضرت هیچ گزارشی مبنی بر حضور جوانان وجود ندارد. فرماندهان این جنگ که افراد شناخته‌شده‌ای از میان گروه سنی میان‌سال و کهن‌سال بودند، عبارت‌اند از: ابو ایوب خالد بن زید انصار (فرمانده سواره‌نظام)، ابو قتاده (فرمانده پیاده‌نظام)، شیبث بن ربیع (فرمانده میسره)، حجر بن عدی (فرمانده میسره)، قیس بن سعد بن عباده (بالذری، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص. ۳۷۱).

علت عدم حضور فرماندهی جوانان در این بخش را باید در عوامل متعددی از جمله: شروع غارت‌های معاویه از سمت غرب و حرکت سپاهیان حضرت برای دفع آن‌ها، ناآرامی‌های شام که توسط عمروعاص شکل گرفته بود؛ و از همه مهم‌تر این نکته دانست



که مقابله با این گروه به دلیل جدایی آنان از بدنه‌ی حکومت امام علی علیه السلام، افراد باتجربه‌ای را طلب می‌کرد تا شاید بتوانند بدون خون‌ریزی آنان را به آغوش حکومت برگردانند.

۵. میزان حضور جوانان در بخش قضایی

وظیفه قاضی، فصل خصومت بین مردم، و نظارت بر مسائل شرعی و قضایی همانند ازدواج، طلاق، ارث، سرپرستی یتیمان و مجانین و اقامه‌ی حدود است. قضات نقش مهمی در تامین امنیت جامعه داشتند و در تاریخ صدر اسلام از اهمیت زیادی برخوردار بودند (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۷۰). قاعده‌ی نصب قضات به این نحو بود که خلفا قاضی دارالخلافه را نصب می‌کردند و فرمانداران مناطق مختلف نیز نصب و عزل قضات را برعهده داشتند (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۶، ص. ۵۶۸).

انتصاب قاضی دارالخلافه و قاضی بخش کوفه به وسیله‌ی شخص امام صورت می‌گرفت و در مواردی هم قضات مناطق دیگر را نیز خود امام معرفی می‌نمودند؛ چنانچه رفاعه بن شداد بجلی به‌عنوان قاضی اهواز انتخاب شد (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۲۲۷). گزارش‌های تاریخی بیان‌گر آن هستند که حضرت سه قاضی نصب نموده‌اند که عبارت‌اند از: شریح بن حارث کندی (شریح قاضی) در کوفه (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۷۰)، ابو اسود دوئلی در بصره (ابن کثیر، ۱۹۸۶م، ج ۸، ص. ۳۱۲) و رفاعه بن شداد بجلی (ابوعاص کوفی) (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۲۲۷) در اهواز.

از میان ۴۲ انتصاب (۳۱٪) جوانان در حکومت امام علی علیه السلام، میزان (۵٪) انتصاب جوانان مربوط به بخش قضاوت می‌باشد. وجود این میزان انتصاب به‌علت جایگاه علمی و اجتماعی قاضی در حکومت اسلامی بود که سبب می‌شد به‌ندرت عزل شوند؛ لذا در مواردی فقط مورد تذکر از سوی امام علیه السلام مواجه می‌شدند (مانند شریح قاضی). محدودیت انتصاب‌ها نیز در این امر دخیل بوده است.

نسبت حضور جوانان در منصب قضا با ۲ انتصاب (۶۷٪) از میان ۳ انتصابی که در این بخش توسط حضرت صورت گرفته، نشان‌گر این واقعیت است که با وجود اهمیت شرعی، علمی و اجتماعی منصب قضاوت، امیرالمؤمنین علیه السلام نه‌تنها به حضور جوانان در مقام قضا بی‌توجه نبوده، بلکه نسبت به بخش‌های دیگر به جوانان بیش‌تر توجه کرده است و جوانان، حضور بیش‌تری نسبت به دیگران (میان‌سالان، یک انتصاب (۳۳٪)) داشته‌اند. این ممکن است به‌علل متعدد، از جمله صبر و حوصله‌ی جوانان در شنیدن دعاوی و پذیرش

اشتباه‌ها باشد. جوانانی که در این بخش حضور دارند، ابو اسود دوتلی و رفاعه بن شداد بجلی می‌باشند که هردو نیز خارج از کوفه به قضاوت می‌پرداختند و تحت نظر مستقیم امام نبودند؛ این امر نشان‌دهنده اعتماد و وثوق امام به این قشر است.

۶. میزان حضور جوانان در بخش دارایی

نهاد دارایی از مهم‌ترین بخش‌های حکومت است که وظیفه‌ی تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی، اجرای سیاست‌های مالیاتی، نظارت بر همه‌ی فرایندهای مالی حکومت و حفظ و نگهداری اموال عمومی را عهده‌دار بوده است. جایگاه مهم این نهاد مانع آن نشده بود تا امام علی علیه السلام از حضور جوانان در قسمت‌های مختلف این نهاد استفاده نکند.

به کارگیری و انتصاب جوانان در این بخش بعد از فرمانداری، در جایگاه دوم قرار دارد. توزیع جوانان در بخش‌های مختلف این نهاد: خزانه‌داری (۶۰٪)، دیوان خراج و جزیه (۱۰٪)، دیوان زکات و صدقات (۳۰٪) می‌باشد. میزان انتصاب‌های حضرت در نهاد دارایی به‌طور کلی ۲۶ انتصاب بوده، که از این میان گروه سنی بیست نفر از آن‌ها مشخص شده است. دو گروه سنی جوانان و میان‌سالان به‌میزان کاملاً برابر بودند؛ جوانان ۱۰ انتصاب (۳۸٪) و میان‌سالان ۱۰ انتصاب (۳۸٪) در این بخش را به خود اختصاص داده‌اند که در دو بخش خزانه‌داری و دیوان زکات، مشارکت جوانان بیش‌تر بوده است.

۶.۱ حضور جوانان در بین کارگزاران بیت‌المال و خزانه‌داری

بیت‌المال جایی است که اموال مربوط به همه‌ی مسلمانان (اموال عمومی) در آن نهاده می‌شد تا به مصرف مشخص‌شده‌ی خود برسد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۹). این اموال به‌قدری نزد حضرت محترم بودند که از آن به "مال‌الله" تعبیر می‌کردند (سید رضی، ۱۴۳۴ق، نامه‌ی ۶۷). جایگاه صاحب این منصب به‌میزانی بود که امین‌ترین اشخاص بر آن گمارده می‌شد (همان، نامه‌ی ۳۱). حجم زیاد اموالی که در قالب غنیمت‌های جنگی، خمس، انفال، فیه، مالیات بر تجارت (عشر) و زکات جمع‌آوری و به‌خزینهِ حکومت سرازیر می‌شد؛ سپس در حکومت امام علی علیه السلام در مواردی مانند: رؤسای اسب‌ها، عرفاء، موالی ایرانیان، عطا و رزق، حقوق حاکم و رهبر مسلمان، حقوق کارگزاران، پرداخت دیه‌ی افرادی که دیه‌ی آن‌ها متوجه دولت باشد، مخارج زندانیان، تشویق قاریان قرآن، ازدواج بی‌همسران، نفقه‌ی غیرمسلمان نایینا، نیاز مؤذن، خانواده‌ی شهدا، مخارج اسیر و غیره مصرف می‌شد (ذاکری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۰۷). این اموال به‌نحو مساوی در بین عرب و عجم، سیاه‌پوست و سفیدپوست، عبد و مولی تقسیم می‌شد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۲).



افراد جوانی که از طرف حضرت به خزانه‌داری گماشته شدند، در سه منطقه به شرح ذیل اند: مدینه، عبیدالله بن ابی‌رافع (منقری، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۷۱)؛ کوفه، علی بن ابی‌رافع (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص. ۱۵۱) و وهب بن عبدالله سوائی معروف به ابوجحیفه (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۴۸)؛ بصره، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۱۳۵) و ابو اسود دثلی (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۳، ص. ۳۸۱).

از میان ده انتصاب جوانان در بخش دارایی، شش انتصاب (۶۰٪) از آنان در بخش خزانه‌داری بوده که نشان‌دهنده‌ی بیش‌ترین استفاده از این طبقه‌ی سنی در این بخش و اعتماد ویژه آن حضرت به جوانان است. در همین بخش خزانه‌داری هم از میان ۱۳ انتصاب، (۴۶٪) از جوانان بود که در مقایسه با ۵ انتصاب میان‌سال و کهن‌سال (۳۹٪) و ۲ انتصابی (۱۵٪) که سن آن‌ها مشخص نشده است، نشان‌دهنده‌ی شایسته‌سالاری امام و اهتمام ویژه‌ی حضرت به جوانان، در مقایسه با طبقات دیگر در این بخش می‌باشد.

۶.۲. حضور جوانان در دیوان خراج و جزیه

خراج، درآمدهای سالیانه‌ای بود که از زمین‌های فتح‌شده به دولت اسلامی پرداخت می‌شد. جزیه نیز مالیاتی بود که از غیرمسلمانان گرفته می‌شد تا در قبال آن، از امنیت در کشورهای مسلمان بهره‌مند شوند. دیوان خراج و جزیه اهمیت زیادی برای خلافت اسلامی داشت؛ زیرا مهم‌ترین منبع مالی دولت محسوب می‌شد. این دیوان مسئول جمع‌آوری، تنظیم و حل مشکلات آن بود (فیرحی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰). دیوان خراج به پیشنهاد امام علی علیه‌السلام در زمان خلافت عمر بن خطاب در جریان فتوحات عراق (سواد) تشکیل شد. اطلاعات تاریخی بیان‌گر مشارکت دادن یک جوان (۱۷٪) به‌نام مصعب بن‌یزید انصاری (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۲۰) از میان ۶ انتصاب در این بخش می‌باشد. میزان مشارکت افراد میان‌سال و کهن‌سال ۳ انتصاب (۵۰٪) و افرادی که سن آن‌ها گزارش نشده است، ۲ انتصاب (۳۳٪) را شامل می‌شوند. این میزان با (۱۰٪) کم‌ترین مشارکت جوانان در بخش دارایی با وجود ۱۰ انتصاب از آن‌ها را نشان می‌دهد.

علت این امر نیز در شرح وظایف این دیوان بوده است که نیاز به برنامه، تجربه و تدبیر داشت: چگونگی گردآوری خراج از سرزمین‌ها، حواله‌کردن آن‌ها به مرکز خلافت، چگونگی تقسیم آن بین مسلمانان و رتبه‌بندی مسلمانان برای تعیین خراج دریافتی از وظایف این دیوان بوده است که با گسترش فتوحات و بهره‌برداری مسلمانان از زمین، وظایف دیوان خراج گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شد.

۶,۳. میزان حضور جوانان در گردآوری زکات

این دیوان به جمع آوری وجوهات شرعی اعم از زکات و صدقه و دیگر درآمدهای شرعی می پرداخت و مطابق با قواعد شرعی به توزیع این درآمدها در موارد مصرفی آن (مؤلفه القلوب، فقرا و مساکین، ورشکستگان و مقروضین، بردگان، آزادی بردگان، عاملان زکات، سبیل الله و ابن سبیل) (توبه، ۶۰) اقدام می نمود (فیرحی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰).

حضرت عاملان جمع آوری زکات را در منشور حکومتی به دوری از ایجاد ترس، برخورد انسانی، دریافت عادلانه، نگرفتن مال معیوب، ملامت با حیوان و جلب اطمینان صاحب مال توصیه می کردند (سید رضی، ۱۴۳۴ق، نامه ی ۲۵ و ۲۶).

افرادی که به نمایندگی از جوانان در این بخش ها حضور داشتند، همراه با محل ماموریت عبارتند از: عبدالله بن زمعة بن اسود (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۱۱، ص. ۱۳۲) و مسیب بن نجبه فرازی در کوفه (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۲۳۴)، مصعب بن یزید انصاری در مدائن (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص. ۱۱۹).

سه انتصاب (۳۰٪) از میان ده انتصاب جوانان در بخش دارایی، بیان گر سهم مهم آن ها در این بخش است. این میزان از میان حضور هفت کارگزار در دیوان خراج و جزیه (۴۳٪) می باشد که در مقایسه با دو انتصاب میان سال و کهن سال (۲۸٪) حضور بیش تر جوانان را در این بخش نشان می دهد.

۷. میزان حضور جوانان در بخش کاتبان و دبیران

یکی دیگر از عرصه های حضور جوانان در مناصب حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام را باید در بخش کتابت و دبیری جست و جو کرد؛ جایی که به دلیل اشراف به اسرار حکومتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حضرت در منشور حکومتی ای که در نامه ی ۵۳ خطاب به مالک اشتر هنگام ولایت بر مصر مرقوم نمودند، در آخرین منصب دولتی از بین هفت طبقه ی اجتماعی، (ذاکری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص. ۵۳) از طبقه ی کاتبان و دبیران نام برده و به ملاک های انتصاب و شرح وظایف آن ها می پردازند.

کاتب و دبیر، مسئول نگارش نامه و تدوین مسائل دیوانی بود (ابن طقطقی، ۱۹۹۷م، ص. ۱۵۰) و به ارتباط های حکومت با حاکمان نواحی مختلف و دیگر حکومت ها اشراف داشت. در حکومت امام علی علیه السلام خود حضرت بخشی از نامه ها را می نگاشت، ولی بخش عمده ی آن را کاتبان ایشان می نوشتند. دبیران حضرت به دو بخش دبیران عام و دبیران خاص (سری) تقسیم می شدند (سید رضی، ۱۴۳۴ق، نامه ی ۵۳). دبیران عام شامل دبیران خراج،



دبیران سپاه، دبیران پاسخ‌گویی مردم و دبیران قضایی بودند (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۰)؛ دبیران خاص علاوه بر این که با عنوان دبیر عام ظاهر می‌شدند، نامه‌های سری حکومت را نیز می‌نگاشتند (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص. ۳۱۷).

کاتبان و دبیران جوانی که در حکومت حضرت حضور داشتند، عبارت بودند از: دبیران عام: علی بن ابی‌رافع (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۵۳)، سعید بن نمران همدانی ناعطی (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۵۹۳)، عبدالله بن جعفر (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۶)، یزید بن شراحیل انصاری (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص. ۵۲۱).

دبیران خاص: عبیدالله بن ابی‌رافع (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص. ۴۷۷). میزان حضور جوانان در این بخش از میان ۴۲ انتصاب آن‌ها در مسئولیت‌های حکومتی، ۴ انتصاب بود که (۱۲٪) را به خود اختصاص داده است؛ این میزان (۸۳٪) در مقابل تنها یک انتصاب (۱۷٪) از افراد میان‌سال و کهن‌سال از میان ۵ انتصابی که حضرت در این بخش انجام داده‌اند، نشان‌دهنده‌ی بیش‌ترین مشارکت جوانان در مقابل حضور میان‌سالان با محوریت عدالت اجتماعی می‌باشد که از اعتماد حضرت، توانایی علمی جوانان و حفظ اسرار توسط این گروه حکایت دارد.

توزیع جوانان و میان‌سالان در مناصب و بخش‌های مختلف حکومتی، از رهیافت‌هایی است که میزان تناسب بین شغل و گروه سنی را مشخص می‌نماید. حضور جوانان در کنار گروه سنی باتجربه که با اندوخته‌ی سالیان طولانی، آموزش مواجهه با مشکلات را به جوانان نشان می‌دهند؛ از طرفی بهره‌ی گروه سنی میان‌سال و کهن‌سال از فعالیت جوانان سبب رشد، فعالیت و پویایی حکومت می‌شود؛ لذا این دو رکن در کنار یک‌دیگر ضامن بقای حکومت می‌باشند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش ضمن ارائه‌ی راهکار ۱۳ گانه‌ای برای تعیین سن کارگزاران امیرالمؤمنین علیه السلام اهتمام آن حضرت در به‌کارگیری جوانان را نشان داده و به ویژگی‌های آن‌ها به‌عنوان علل این استفاده اشاره کرده است.

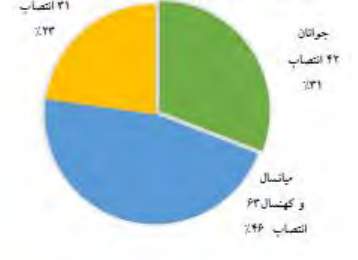
از میان ۱۳۶ انتصاب حضرت، ۴۲ انتصاب (۳۱٪ کل انتصاب‌ها) به جوانان اختصاص دارد که توزیع انتصاب‌ها در طبقه‌بندی‌ای که خود ایشان از جامعه انجام دادند، در قسمت‌های فرمانداری، نظامی و انتظامی، قضایی، دارایی، دبیران و کاتبان متفاوت بوده است. میزان گسترده‌ی انتصاب‌ها در بخش فرمانداری به‌عنوان بالاترین منصب حکومتی

نشان‌دهنده‌ی اهمیت این بخش می‌باشد که در ۵ منطقه‌ی مرکزی، غربی، جنوبی، شرقی و شمالی به‌ترتیب مناطق جنوبی، غربی و شرقی بیش‌ترین حضور جوانان را شاهد بوده که با روحیه‌ی فعال و تاثیرگذار آن‌ها در این مناطق نآرام تناسب دارد. در بخش نظامی و انتظامی از میان ۲۰ انتصاب، به‌کارگیری جوانان در امنیت شهری و فرماندهی جنگ‌های جمل، صفین و نهروان نیز اهمیت دارد؛ در این بخش به‌نحو برابری دو گروه جوان و میان‌سال به‌کار گرفته شده‌اند تا جنبه‌ی جنگ‌آوری و قدرت در کنار تجربه - که دو رکن نظامی می‌باشند - تکمیل گردد. در نهاد حساس قضایی که تنها ۳ انتصاب از آن گزارش شده است، ۲ انتصاب از میان جوانان بوده که علی‌رغم کنارزدن توهم عجول‌بودن جوان، قدرت تشخیص و داوری درست را بر قامت او پوشانده است. نهاد دارایی که در زمان حضرت از سه قسمت خزانه‌داری، دیوان خراج و جزیه، و دیوان صدقات و زکات تشکیل شده بود، جوانان در قسمت خراج در مقایسه با میان‌سالان و کهن‌سالان مشارکت بیش‌تری داشتند. به‌همین نحو در بخش دبیران و کاتبان نیز از میان ۵ انتصابی که حضرت انجام دادند، میزان بهره‌مندی از جوانان با ۴ انتصاب، بیش‌تر از دیگران بوده که این برتری در هر دو بخش در تناسب با توان بالای فعالیت اجتماعی آنان می‌باشد.

حضور فعال جوانان در همه‌ی قسمت‌های مدیریتی حکومت امام علی علیه السلام نشان‌دهنده‌ی اهمیت و توجه ویژه‌ی آن حضرت به این گروه سنی در کنار بهره‌مندی از میان‌سالان و کهن‌سالان است که علاوه‌بر نمود تحقق عدالت اجتماعی و تامین امنیت در حکومت ایشان، رمز بقای حکومت در آموزش نیروهای جوان و جایگزینی آن‌ها می‌باشد.

پیوست :

نمودار یک. مجموع انتصاب ۱۳۶ غیر مشخص



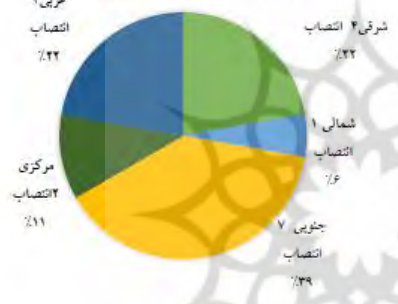
نمودار دوم: انتصاب جوانان



نمودار سوم: مسئولیت ها ۱۳۶ انتصاب



نمودار چهارم: نحوه چینش فرمانداران جوان



نمودار پنجم: جوانان در نهاد داری



نمودار ششم: انتصاب های میان سالان نظامی و



منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید. (۱۴۰۴ق.). شرح نهج البلاغه. تحقیق م.ا. ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
- ابن حیون، ن.م. (۱۳۸۵ق.). دعائم الاسلام. محقق آ. فیضی. قم: مؤسسه آل البیت.
- ابن سعد، م.س. (۱۹۹۰م./۱۴۱۰ق.). الطبقات الكبرى. تحقیق م. عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب مازندارانی (۱۳۷۹ق.). المناقب. قم: نشر علامه.
- ابن طقطقی، م.ع. (۱۹۹۷م./۱۴۱۸ق.). الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة. تحقیق ع. محمد مایو. بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن عبد البر، ع.ی. (۱۹۹۲م./۱۴۱۲ق.). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. تحقیق ع.م. البجاوی. بیروت: دارالجمیل.
- ابن عبد ربه أندلسی، ا.م. (۱۴۰۴ق.). عقد الفرید. تحقیق م.س. عریان. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن اثیر، ح. (۱۹۶۵م./۱۳۸۵ق.). الكامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن اثیر، ح.م. (۱۹۸۹م./۱۴۰۹ق.). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. بیروت: دارالفکر.
- ابن اعثم الكوفی، م.ا. (۱۹۹۱م./۱۴۱۱ق.). الفتوح. تحقیق ع. شیری، تحقیق. بیروت: دارالأضواء.
- ابن کثیر الدمشقی، ف.ا. (۱۹۸۶م./۱۴۰۷ق.). البدایة و النهایة. بیروت: دار الفکر.
- امینی، م.ه. (۱۴۱۲ق.). امیر المؤمنین علیؑ. بیروت: دارالکتب اسلامی.
- آنکیری، گ. (۱۳۵۴). شهسوار اسلام. ترجمه ک. عمادی. تهران: سپهر.
- برقی، ا.م. (۱۳۴۲). رجال برقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- برک، ل. (۱۳۹۲). روانشناسی رشد. ترجمه ی. سید محمدی. تهران: ارسباران.
- بلاذری، ا.ی. (۱۹۹۶م./۱۴۱۷ق.). کتاب جمل من انساب الأشراف. تحقیق س. زکار و ر. زرکلی. بیروت: دار الفکر.
- بلاذری، ا.ی. (۱۹۹۸م.). فتوح البلدان. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بیهقی، ا.ا. (۱۴۱۳ق.). سنن الکبری. بیروت: دالمعرفه.
- ثقفی کوفی، ا.ا. (۱۳۵۳). الغارات. تحقیق ج. حسینی ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
- دینوری، ح.ا. (۱۳۶۸). الأخبار الطوال. تحقیق ع.م. عامر. قم: منشورات الرضی.





- دینوری، ق.م.ع. (۱۹۹۰م/۱۴۱۰ق.). الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء. تحقیق ع. شیری. بیروت: دارالأضواء.
- ذاکری، ع.ا. (۱۳۸۴). سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام. قم: بوستان کتاب.
- ذهبی، م.ا. (۱۴۱۷ق.). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرساله.
- سجادی، ص. و عالمزاده، ه. (۱۳۹۳). تاریخ نگاری در اسلام. تهران: سمت.
- سیدرضی، ح.م. (۱۴۳۴ق.). نهج البلاغه. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طبرسی، ا.ف. (۱۴۱۷ق.). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: مؤسسه آل البيت.
- طبری، م. (۱۳۵۶ق.). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام. قاهره: مکتبه القدسی.
- طبری، م.ج. (۱۹۶۷م/۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوک. تحقیق. م. أبو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- طوسی، م.ح. (۱۴۰۱ق.). تهذیب الاحکام. تحقیق ح. موسوی. بیروت: دارالتعارف.
- طوسی، م.ج. (۱۴۱۵ق.). رجال الطوسی. قم: جامعه مدرسین.
- عسقلانی، ح. (۱۴۰۴ق.). تهذیب التهذیب. بیروت: دار الفکر.
- عسقلانی، ح. (۱۴۱۵ق.). الإصابة فی تمییز الصحابة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیرحی، د. (۱۳۹۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: سازمان سمت.
- قدامه، ج. (۱۹۸۱م.). الخراج و صناعه و الکتابه. تعلیق م.ح. زبیدی. عراق: دار الرشید.
- کشی، م.ع. (۱۳۴۸). اختیار معرفة الرجال (رجال کشی). مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، م.ی. (۱۴۰۷ق.). الکافی. تصحیح ع.ا. غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- الکوثر تی وی. (۱۳۹۶). الکوثر تی وی. قابل دسترس در: www.fa.alkawthartv.com
- تاریخ بازیابی: شنبه ۵ فرودین ۱۳۹۶.
- لیبید، ا.ا. (۱۹۹۲م.). الدولة العربیة الاسلامیه فی عصر الاموی. بغداد: جامعه بغداد.
- ماوردی، ح. (۱۴۰۶ق.). احکام السلطانیة و الولايات الدینیة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مسعودی، ع.ح. (۱۴۱۱ق.). مروج الذهب. بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مفید، م.ن. (۱۴۱۳ق.). الاختصاص. قم: کنگره شیخ مفید.
- منقری، ن.م. (۱۳۸۲). وقعہ صفین علیه السلام. تحقیق م. هارون. القاهره: المؤسسة العربیة الحدیثة.
- ناظمزاده قمی، ا. (۱۳۸۹). اصحاب امام علی علیه السلام. قم: بوستان کتاب.

– نجاشی، ا.ع. (۱۴۰۷ق.). رجال النجاشی. قم: جامعه المدرسین.

– یعقوبی، ا.ی. (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.

- www.tarikh.nashriyat.ir

References

Holy Quran.

1. Al-Kusar TV. (2017). Al-Kosar TV. Available at: www.fa.alkawthartv.com. Recovery Date:
2. Amini, M.H. (1991). Amir al-Momenin (AS). Beirut: Islamic Darab Book.
3. Ankiri, G. (1975). Shahram Islam. Translated by K. Emadi. Tehran: Sepehr.
4. Asaklani, H. (1983). False False. Beirut: Dar al-Fakir.
5. Asaklani, H. (1994). Foam cleaner Foam cleaner. Beirut: School of Literature.
6. Baihaqi, AA (1992). Al-Kubani traditions. Beirut: Dalmatia.
7. Barqi, A. M. (1963). Rijal Electric. Tehran: Tehran University Press.
8. Blazari, I.A. (1996). My book is Al-Ashraf's book. Research Q. Zakar and Ra. Zarkoli. Beirut: Thinker.
9. Blazeri, IA (1998). Conquest of God. Beirut: Al-Hilal's school.
10. Burke, L. (2013). Developmental Psychology. Translated. Seyed Mohammadi. Tehran: Arasbaran.
11. Dhahabi, MA (1996). Announcement of Al-Nabla. Beirut: Al-Rasaleh Institute.
12. Dinevari, Q. M. A. (1989). News feed. UM Research Amer. Qom: Prohibited Practices.
13. Dinori, BC (1990). Al-Amami and the famous al-Khalifa in the history of the caliphs. AS Research Milky. Beirut: Dar al-Adawawa.
14. Firahi, D. (2013). Political system and government in Islam. Tehran: Side Organization.
15. Ibn Aasim al-Kufi, MA (1991). Al-fatwa. AS Research Milk, research. Beirut: Dar al-Adawawa.
16. Ibn Abd al-Ber, A. I. (1992). Introducing the introduction of asahab. UM Research Al-Bajo. Beirut: Darjeeling.
17. Ibn Abd Rabbah Andalusia, A. M. (1983). Absorption in the knowledge of friends. MS Research Naked. Beirut: Dar al-Kitab al-Umayyah.
18. Ibn Abi al-Hadid. (1983). Description of Nahj al-Balagha. MA

- Research Abraham. Qom: Ayatollah al-Marashi school of thought.
19. Ibn al-Asir, h. (1965). The Completion of History. Beirut: Dar Sadr - Beirut Dar.
 20. Ibn al-Asir, HM (1989). Introducing al-Ghabi to introduce al-Sahabi. Beirut: Dar al-Fakir.
 21. Ibn Hayoun, N. M (1965). Da'am al-Islam. Scholar A. Grace. Qom: Al-Belit Foundation.
 22. Ibn Kathir al-Dumshaqi, FA (1986). Divine and Divine. Beirut: Thinker.
 23. Ibn Saad, MS. (1990). al-Tabaqat al-Kubra (M. Abdul Qader Atta, Research). Beirut: Dar al-Kutab al-Elmi.
 24. Ibn Shahr Ashub Mazandarani (1959). al-Manaqib. Qom: Allameh Publication.
 25. Ibn Taqtaqi, M. A. (1997). Al-Fakhri al-Adab al-Saltani and al-Dawl al-Islami. AS Research Mohammed Mayo. Beirut: Dar al-Qalam al-Arabi.
 26. Keshi, cf. (1969). Tariff of Al-Rajal (Rijal Drawing). Mashhad: University of Mashhad.
 27. Koleini, M. I. (1986). Alkafi. Correction Ghaffari. Tehran: Dar Ektab al-Salamiyeh.
 28. Labid, A. A. (1992). Al-Dawlah al-Arabiya al-Islamiyyah in the era of al-Mamawi. Baghdad: The community of Baghdad.
 29. Masoudi, A. H (1990). Promoters of secularism. Beirut: Leaflet of the Press Institute.
 30. Maverdi, H. (1985). Sentences of al-Sultaniyya and al-Diyyat al-Aiyyat. Qom: Al-Islam School.
 31. Mofid, M. N. (1992). al-Ekhtesas. Qom: Sheikh Mofid Congress.
 32. Monghari, N.M (2003). al-Siffin incident (M. Haroon, Research). Cairo: Modern Arab Foundation.
 33. Najashi, A. E. (1986). Rajal al-Nashashi. Qom: Al-Madarsin Community.
 34. Nazemzadeh Qomi, A. (2010). Companions of Imam Ali (AS). Qom: Bustan Ketab.
 35. Qadameh, J. (1981). Stonework and punctuation. Suspended AD You're right. Iraq: Dar al-Rashid.
 36. Sajjadi, S. & Alemzadeh, H. (2014). Historiography in Islam. Tehran: Side.
 37. Seyyed Razi, H. M. (2012). Nahj al-Balagha. Qom: Al-Nusra al-Islami Institute.
 38. Tabari, M. (1937). Al-Aqaba's reserves at the hands of Zul Qurayb. Cairo: Al-Qudsi School.
 39. Tabari, M. J. (1967). History of Omam and al-Muluk. M. Abolfazl



- Ibrahim. Beirut: Dar al-Truth.
40. Tabarsi, A.F. (1996). Announcement of Al-Awliya Allah. Qom: Al-Albit Institute.
 41. Thaqafi Kufi, A. A. (1974). Algharat. Research c. Hosseini Ermou. Tehran: National Works Association.
 42. Tusi, M.H. (1980). Clement of Ahakam. H. Research Mousavi. Beirut: Taliban.
 43. Tusi, M.H. (1994). Al-Tusi. Qom: Teacher community.
 44. Yaqubi, A. I. (n.d.). History of Al-Aqubi. Beirut: Dar is issued.
 45. Zakeri, A.A. (2005). Image of brokers Ali Binabi Talib Amir al-Momin (AS). Qom: Bustan Ketab.

